

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید ملک

۱۳ جنوری ۲۰۲۱



سید ملک

زندگی آخر سر آید بندگی درکار نیست

خلیل انروز با آتش همین گفت درین ره تا تتم باقیست می سوز

به ارتباط راه وطن دو حقیقت تاریخی و یک داستان از حافظه ام بیرون و خدمت دوستان تقدیم می دارم:

داستان:

روزی در مسابقه گاو جنگی گاو لاغری را آوردند و در گوشه میدان بستند یک ساعت بعد گاو فربه‌ی را آورده و هر دو را داخل میدان ساختند. گاو فربه با قوت برگاو ضعیف حمله و وی را به زمین می انداخت. مقاومت گاو لاغر چنان دوامدار بود تا سرانجام گاو فربه خسته شد و فرار کرد. صاحب گاو لاغر را پرسیدند درین کار چه حکمتی بود. آن شخص جواب داد: چون من این گاو را یک ساعت قبل اینجا مسکن داده بودم و این منطقه حیثیت وطن را برایش گرفته بود و با نیت عشق به وطن چنان دفاع می کرد که آخر گاو فربه مجبور به فرار شد.

به خیال من داستان از محمد حجازی ایرانی است. فراموش کردم. پیری و هزار عیب و علت

دو موضوع تاریخی

روزی یک افسر چینی اسیر چنگیز خان شد هر قدر می زدند می گفت زنده باد وطنم. تابند بندش را بریدند و چنین فریاد می زد و جان داد. چنگیز خان مراسم باشکوهی به مرگش گرفته و گفت ای بزرگمرد شجاع، ایکاش باردگر در سرزمین من به دنیا بیائی تا قدر ترا بدانم

سلطان جلال الدین خوارزم در مقابل با چنگیز به پدر نامردش سلطان محمد خوارزم که از دست چنگیز خان فرار می کرد پیشنهاد کرد که ماعمری از مردم مالیه گرفته و ارتش چهارصد هزار نفری داریم عساکر را به من واگذار تا در لب

جیحون جلوچنگیز بروم اگر بخت بامابود مردم رانجات واگر بخت مدد نکرد بدنای تاریخی به ما نرسد. پدر نامردش به خاطر طولانی شدن جنگ وادامه چند روز دگر زندگی فرارکرد اما چنگیز خان مرده سلطان محمد رازخاک کشیده برآن ادرار کرد. امادر مقابل شهمت پسرش جلال الدین دست به دندان گرفته وگفت: اگر از پدر فرزند می ماند باید چنین باشد.